

بررسی ویژگی‌های کالبدی و اثرگذاری آن بر سرزندگی و زیست‌پذیری محله‌های قدیم شهری نمونه‌موردی محله سنبلستان اصفهان

احمد شاهبوندی* محمود قلعه‌نویی** مریم علی‌پور اصفهانی***

چکیده

کیفیت محیط زندگی یکی از عوامل مؤثر بر دلبستگی انسان به محیط است. محیط‌های بی‌کیفیت، خالی از جمعیت گشته و به تبع آن، سرزندگی و زیست‌پذیری آنها دست‌خوش تغییراتی خواهد شد. شهرگرایی جدید در تلاش است تعادلی مناسب بین جنبه‌های اجتماعی، محیطی و مکانی برقرار کند و از این دیدگاه، یکی از عناصر مهمی که به‌عنوان یک واحد زندگی شهری ایفای نقش می‌کند، محله است. در سال‌های اخیر بر اثر حاکمیت تفکر بازاری بر محیط شهرها، فضاهای مسکونی بافت‌های قدیم به‌راحتی در مسیر سوداگری قرار گرفته‌اند. مداخلات کالبدی نامناسب از سرزندگی و زیست‌پذیری بافت‌های قدیمی کاسته و حاصل چنین حالتی، ایجاد محلاتی ناامن و ناسالم‌اند که کیفیتی مناسب برای زندگی ندارند و از انسجام اندکی برخوردارند. بنابر آنچه بیان شد، هدف این پژوهش بررسی ویژگی‌های کالبدی محله سنبلستان، شناخت وضعیت سرزندگی و زیست‌پذیری اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و فرهنگی در این محله و در نهایت، میزان اثرگذاری شاخص‌های کالبدی بر سرزندگی و زیست‌پذیری آن است. مهم‌ترین سؤالی که مطرح است، چگونگی میزان تناسب ویژگی‌های کالبدی و اثرگذاری‌اش بر سرزندگی، زیست‌پذیری و احساس تعلق محله‌ای است. با توجه به مؤلفه‌هایی که در این پژوهش بررسی می‌شوند، رویکرد حاکم بر آن توصیفی-تحلیلی است. همچنین با به‌کارگیری روش کمی، جامعه آماری پژوهش، ساکنان محله سنبلستان در سال ۱۳۹۲ است که از طریق پرسش‌نامه نظرات آنها سنجش شده است. از مدل معادلات ساختاری برای درک ارتباط بین شاخص‌ها بهره گرفته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، شاخص‌های کالبدی روی سرزندگی اقتصادی و فرهنگی اثرگذار بوده ولی ارتباط معناداری بین شاخص‌های کالبدی با سرزندگی اجتماعی و زیست‌محیطی در محله یادشده وجود ندارد. سرزندگی اقتصادی، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر دلبستگی ساکنان و دلیل اقامت آنها در این محله است.

کلیدواژگان: ویژگی کالبدی، سرزندگی، زیست‌پذیری، احساس تعلق، محله‌های قدیم شهری، سنبلستان.

* استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان.

** استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان.

*** کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان.

مقدمه

از نظر ونسا تیمر^۱ و همکاران (۲۰۰۶)، سرزندگی به معنای تجربه زندگی در شهر به‌عنوان یک انسان واقعی است؛ شهری که در آن همه افراد می‌توانند زندگی سالمی داشته باشند. در دیدگاه اکولیز^۲ شهر سرزنده، شهری است متعلق به تمامی گروه‌های اجتماعی موجود در شهر. از طرفی زیست‌پذیری کیفیت زندگی، استاندارد زندگی و مطلوبیت کلی زندگی مردم در یک محدوده مانند شهر است (Okulicz, 2012: 1). طبق مطالب نشریه اکونومیست (۲۰۱۱)^۳، زیست‌پذیری به معنای فرصت شغلی است. سرزندگی و زیست‌پذیری از لحاظ روح و معنا در کنار کالبد شهر، ارتباط بسیار نزدیکی با کیفیت زندگی دارند. کیفیت زندگی مفهومی گسترده است که مواردی چون زندگی خوب، زندگی با ارزش، زندگی رضایت‌بخش و زندگی شاد را دربر می‌گیرد (McCrea et al., 2006). دل‌بستگی به محله مسکونی، مبین احساس ذهنی (درونی) مثبت افراد نسبت به آن است که از پیوندهای عاطفی، شناختی و رفتاری با مکان مسکونی ناشی می‌شود و موجب تعهد ساکنان به محل سکونت و تمایل‌شان به حفظ رابطه با آن در طول زمان و مراحل مختلف زندگی می‌شود (امیرکافی و فتیحی، ۱۳۹۰: ۵). از مهم‌ترین شاخص‌ها و مؤلفه‌های اثرگذار بر کیفیت زندگی، شاخص‌های کالبدی است. مطابق با فرایند مبانی نظری پژوهش، این شاخص‌ها شامل تأسیسات زیربنایی، مبلمان، روشنایی، طراحی معابر، خوانایی، دسترسی و سیما و منظر هستند. به‌طور کلی سرزندگی، ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی را دربر می‌گیرد. در بعد اقتصادی، اقتصاد و جامعه بی‌آنکه بتوانند جلوی آن را بگیرند، به سمت جهانی‌سازی در حرکت هستند؛ شهرهای واقع در کلیه مناطق باید با یکدیگر رقابت کنند تا سرمایه و شغل بیشتری را جذب کنند. کیفیت زندگی یا قابلیت زندگی که شهر به شهروندانش ارائه می‌دهد، در تضمین عملکرد اقتصادی آینده مهم است (عباس‌زاده و حسین‌پور، ۱۳۹۱: ۲۳).

مارانز^۴ (۲۰۰۳)، مطالعه‌ای در ناحیه مادر شهر دترویت^۵ آمریکا انجام داده و در آن، پارامترهای اقتصادی مرتبط با سرزندگی را در یک نظم سلسله مراتبی نمایش داده است. نتایج پژوهش‌هایی با موضوع مذکور نشان می‌دهد، شهر زیست‌پذیر و پایدار اقتصادی شهری است که دارای آنچنان پایه اقتصادی باشد که نه تنها کمترین اثر نامطلوبی را بر محیط‌زیست نداشته باشد بلکه در احیا و ارتقای کیفیت آن نیز مؤثر باشد. صنعت و تجارتی که بر پایه اصول پایداری و زیست‌پذیری متکی باشد، باید اساس اشتغال و پایه اقتصادی شهر را تشکیل دهد. شهرداری‌ها و سایر نهادهای شهری می‌توانند با اتخاذ تدابیر

گوناگون مانند بخشودگی مالیاتی برای فعالیت‌های هماهنگ با محیط زیست، سرمایه‌گذاری و حمایت مالی از فعالیت‌های منطبق با اصول پایداری، وضع قوانین و مقررات دقیق‌تر و محکم‌تر و برنامه‌های آموزشی برای صاحبان فعالیت‌ها و نیز مسئولان، به تشویق و ترغیب فعالیت‌های اقتصادی پایدار کمک کنند (بحرینی، ۱۳۷۶: ۶). توجه به بُعد اجتماعی محله، قلمروهای اجتماعی و غیرکالبدی، یکی از ضروریات محیط شهری مناسب برای زندگی است. فضای شهری و روابط جاری در آن، باهم در ارتباط متقابل هستند و ازهم تأثیر می‌پذیرند. انسان از طریق روابط اجتماعی - فرهنگی به فضا، فرم و عملکرد اهمیت می‌بخشد و ساماندهی فضا به‌نوبه خود به تغییر شکل این روابط می‌انجامد. بنا براین، ساخت و طراحی فضاهای شهری بر فرایند زندگی اجتماعی تأثیر گذاشته و می‌بایست از نظر جسمی و روانی برای شهروندان کارایی داشته باشند (ادیبی و عظیمی، ۱۳۹۰: ۷). از عوامل مؤثر بر زمینه‌های مشارکت در بافت‌ها و محله‌های شهری، می‌توان به فراهم‌نمودن زیرساخت‌های اجتماعی، تقویت اجتماعات خرد، گسترش بینش اجتماعی مشترک و توجه و پاسخ‌گویی به نیازهای روانی ساکنین و گروه‌های اجتماعی مختلف سنی، جنسی، نژادی و قومی، اشاره نمود.

فرهنگ و بازنمودهای فرهنگی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد سرزندگی همواره جزئی جدایی‌ناپذیر از مناسبات شهری محسوب شده آنچنان که هر شهری، با فرهنگ و بارزهای فرهنگی مختص به خود شناخته می‌شده است. شهرها در گذر زمان، عرصه‌های تولید فرهنگ و بسترهای نوآوری فرهنگی بوده‌اند آن‌گونه که، فرهنگ یکی از سرمایه‌های شهری شناخته شده است (Sacco et al., 2007: 4). حضور هنر در شهر و برپایی انواع جشنواره‌های هنری، راهبردی فراتر از اندیشیدن راه‌حل‌های کوتاه‌مدت برای رکود اقتصادی و مشکلات اجتماعی شهرهاست (Quinn, 2005). در حال حاضر برای بازآفرینی شهرها و توسعه شهری، فرهنگ به‌عنوان عاملی محوری مطرح است. چراکه برنامه‌ریزی شهری با هدف مهم ساماندهی امور شهری و یافتن راه‌حل‌های مناسب برای مسائل زیست‌شهری و حتی برنامه‌ریزی فیزیکی - کالبدی شهر، بدون توجه به ساختارهای اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی شهر و شهروندان نمی‌تواند مؤثر و بنیادی باشد. هرگاه در برنامه‌ریزی‌ها، به زمینه‌ها و شرایط توسعه اجتماعی و فرهنگی توجه شود، روند توسعه سریع‌تر و پایدارتر خواهد بود (شماعی و پوراحمد، ۱۳۸۴: ۸).

در کنار ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بی‌شک کالبد محله مسکونی تأثیری انکارناپذیر بر سرزندگی و زیست‌پذیری آنها دارد. معیارهای کالبدی و طراحی، مهم‌ترین عوامل

شهری و بررسی کیفیت‌های محیطی مطرح‌شده، سرانجام کیفیت‌هایی را که به‌لحاظ فراوانی درصد بیشتری داشتند، باعنوان مهم‌ترین کیفیت‌های محیطی در اثر خود، "ابعاد طراحانه برنامه‌ریزی شهری"، منتشر نمودند. این کیفیت‌ها عبارتند از: پایداری زیست‌محیطی، منظر شهری، کیفیت دیدها، کیفیت فرم شهر، کیفیت فرم ساختمان و کیفیت فضاهای جمعی.

مجموعه معیارهای گرین^۸، یکی دیگر از مجموعه معیارهای ارائه‌شده در خصوص کیفیت‌های محیطی است. وی در مقاله "شکل شهر" برای سنجش کیفیات محیطی، چهار مؤلفه (خوشه) اصلی تعیین می‌نماید که هر یک از آنها، خود متشکل از عوامل متعددی هستند:

- عملکرد؛ دربردارنده ارتباط، امنیت، آسایش اقلیمی و تنوع،
- نظم؛ دربردارنده انسجام، وضوح، پیوستگی و تعادل،
- هویت؛ دربردارنده شکل‌دادن به کانون‌ها، وحدت، شخصیت و خاص بودن،
- جذابیت؛ دربردارنده مقیاس، تناوب بصری و عملکردی، سرزندگی و هارمونی است.

گلکار (۱۳۷۹)، ضمن تعریف مفهوم کیفیت از منظر طراحی شهری، با بهره‌گیری از دیدگاه نظریه‌پردازانی همچون لینچ^۹، به ارائه کیفیت‌های طراحی شهری خوب از دیدگاه نظری می‌پردازد. وی به این نتیجه می‌رسد که کیفیت طراحی شهری، براینده سه عامل: کیفیت عملکردی، کیفیت تجربی-زیباشناختی و کیفیت زیست‌محیطی شهرها است.

عزیزی (۱۳۸۵)، در مقاله "محله مسکونی پایدار (مطالعه موردی نارمک)"، اصول و معیارهای پایداری محله از جمله هویت و سرزندگی، پویایی، سازگاری و تنوع را بررسی می‌کند. با توجه به مطالعه صورت گرفته، چنین به دست می‌آید که طرح شهرسازی نارمک طرحی موفق در پویایی و پایداری محله است به گونه‌ای که، بسیاری از ساکنین از وضعیت طراحی این محله رضایت دارند و به عبارت دیگر، این محله یک محله پایدار است.

بحرینی (۱۳۹۰) در کتاب "فرایند طراحی شهری، معتقد است که انسان از طریق نظم، کالبد و محیط سکونت خود را شکل می‌دهد. درحقیقت می‌توان گفت که نظم وجه مشترک نظام‌هاست. لیکن نوع، شکل و ماهیت این نظم از نظامی به نظام دیگر می‌تواند کاملاً متفاوت باشد. بدیهی است بین نظم کالبدی و نظم عملکردی هر نظام می‌توان رابطه‌ای مشخص پیدا نمود. در این میان، وی اهمیت رشته طراحی شهری و فرایندهای آن را برای ایجاد این نظم یادآوری کرده و بیان می‌کند که مسائل و نیازهای عدیده جوامع امروز در همه جا، آنچنان طراحی شهری را می‌طلبد که بتواند تبلور کالبدی-

اثرگذار بر کیفیت فضاهای شهری و ارتقای کیفیاتی از جمله سرزندگی، ایمنی، امنیت، تنوع، اجتماع‌پذیری، نفوذپذیری، خوانایی و انعطاف‌پذیری هستند. شهر اصفهان به‌عنوان یکی از کلان‌شهرهای ایران، از سابقه‌ای بسیار طولانی در تاریخ کشور و تنوع محله‌ای برخوردار است. به‌طوری که محلات تاریخی، قدیمی، میانی و جدید به‌وفور در این شهر دیده می‌شود. در سال‌های اخیر با شکل‌گیری بافت‌های جدید شهری، بسیاری از بافت‌های قدیمی رها شده و قطعات زیادی در محلات دیده می‌شود که سکونت در آنها امکان‌پذیر نیست. علاوه بر این، روزانه شاهد رفت‌وآمدهای بسیاری از ساکنین محلات مختلف شهر به سمت مکان‌های دارای جاذبه و فضاهای مناسب شهری هستیم. مهم‌ترین شاخص‌های اثرگذار بر شکل‌گیری این وضعیت، می‌تواند ناشی از عواملی مانند مناسب نبودن ویژگی‌های کالبدی محله، نبود سرزندگی اقتصادی، اجتماعی، نبود سرزندگی و زیست‌پذیری محیطی و فرهنگی باشد.

هدف این پژوهش، بررسی ویژگی‌های کالبدی، در محله سنبلستان و میزان اثرگذاری این شاخص‌ها بر سرزندگی، زیست‌پذیری و وابستگی محله‌ای است. در این راستا، ویژگی‌های کالبدی و کیفیت سرزندگی و زیست‌پذیری محله شهری از طریق شاخص‌های عینی و ذهنی بررسی و تحلیل می‌شوند. مهم‌ترین سؤال پژوهش این است که ویژگی‌های کالبدی محله به چه میزان می‌توانند در سرزندگی، زیست‌پذیری و احساس تعلق محله‌ای اثرگذار باشند. ابزار سنجش هم، پرسش‌نامه است. پرسش‌های مربوط به شاخص‌های ذهنی، به‌نحوی طراحی شده‌اند که پرسش‌شونده با توجه به ابعاد عینی محیط، به آنها پاسخ گوید. به‌عبارتی این شاخص‌ها، براینده ذهنی فرد را از محیط زندگی‌شان نشان می‌دهد. با توجه به مفاهیم نظری، شاخص‌هایی که در جدول ۱ بیان شده، به‌عنوان شاخص‌های مورد سنجش در سرزندگی و زیست‌پذیری مطالعه شده‌اند.

پیشینه پژوهش

جیکوبز^{۱۰} (۱۹۶۱) در اثر خود "مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا"، ۵ معیار را برای محیطی با کیفیت مطلوب و سرزنده تعیین می‌نماید: در نظر گرفتن فعالیت‌های مناسب پیش از توجه به نظم بصری محیط، اختلاط کاربری چه از نظر نوع استفاده و چه حضور ابنیه با سن‌های مختلف کنارهم، توجه به خیابان، نفوذپذیری بافت، اختلاط اجتماعی و انعطاف‌پذیری فضاها. باین‌همه، عناصر قدرتمند دیگری نظیر عوامل اجتماعی، فرهنگی و محیطی که از برون بر فضا تأثیر می‌گذارند، در پژوهش وی نادیده گرفته شده است. پانتر و کرمونا^{۱۱} (۱۹۹۱)، پس از تحلیل هفتاد و سه طرح

جدول ۱. شاخص‌های کالبدی و متغیرهای اندازه‌گیری شده سرزندگی و زیست‌پذیری محله شهری سنبلستان

ویژگی‌های کالبدی	شاخص	سرزندگی اقتصادی	سرزندگی اجتماعی	سرزندگی فرهنگی	زیست‌پذیری محیطی
تأسیسات زیربنایی	کیفیت تأسیسات آبرسانی، فاضلاب، برق‌رسانی، تلفن، گازرسانی و دسترسی مناسب به اینترنت.	درآمدزایی ناشی از حضور گردشگران در این محله، رونق کسب‌وکار محله‌ای، وجود کاربری‌های تجاری جدید و بروز اشتغال خالص ایجادشده، تعداد فعالیت‌های تجاری جدید، میزان مقاصد خرید، میزان متوسط درآمد خانوار، نرخ رشد بهای زمین، مسکن و اجاره، وجود کاربری‌های شبانه (فروشگاه‌ها و نگهبانی).	روابط افراد در محله با یکدیگر، میزان مقبولیت محله برای افراد ساکن در آن، آرامش و آسایش در محله، وجود مراکز حمایتی برای ساکنین محله (صندوق‌های قرض‌الحسنه در مساجد و ...)	وجود مجسمه‌ها و آثار هنری در فضاهای همگانی، وجود فرهنگ‌سرا، وجود کتابخانه عمومی، وجود گالری‌های هنری، انجام فعالیت‌ها و مراسم دینی و فرهنگی در فضاهای همگانی محله، میزان مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه در محله، برگزاری جشن‌ها و مناسبات فرهنگی در محله، وجود عناصر هویت‌ساز، میزان شرکت در فعالیت‌های هنری، وجود باور به بهبود کیفیت محیط و شرایط زندگی در محدوده، وجود باور به نقش مدیریتی نهادها و شوراهای محلی به بهبود شرایط، میزان باور به عدالت اجتماعی.	میزان سایه‌اندازی در فضاهای جمعی، فضاهای جمعی، وضعیت سیستم جمع‌آوری زباله، کیفیت دفع مواد زائد محیط، اهمیت‌دادن هم‌محله‌ها به بازیافت مواد زائد، میزان کارایی تأسیسات زیربنایی، تعداد ساختمان‌های واجد ارزشی حفاظت‌شده (ساختمان دارای قدمتی بیش از ۵۰ سال و کلیت آن حفظ شده باشد، به‌طوری که به‌عنوان یک اثر معماری در خور توجه باشد)، وجود فضاهای سبز برای گذران اوقات فراغت، وجود مسیرهای سبز پیاده، دیده‌شدن فضاهای سبز در مسیرهای اصلی، وجود درختان و پوشش گیاهی کنار پیاده‌رو برای تأمین آسایش اقلیمی، توجه به معیارهای اقلیمی در ساخت‌وساز، رعایت الگوی بهینه مصرف آب، برق، گاز و ... و توجه به اصل توسعه پایدار.
مبلمان	وجود نیمکت برای رفع خستگی در فضاهای جمعی، وجود سطل زباله در فواصل مناسب در مسیرهای درون‌محله‌ای، وجود کیوسک تلفن در فضاهای درون‌محله‌ای.	وجود کاربری‌های تجاری جدید و بروز اشتغال خالص ایجادشده، تعداد فعالیت‌های تجاری جدید، میزان مقاصد خرید، میزان متوسط درآمد خانوار، نرخ رشد بهای زمین، مسکن و اجاره، وجود کاربری‌های شبانه (فروشگاه‌ها و نگهبانی).	روشنایی در روز و شب، میزان سایه‌اندازی در معابر فرعی-مسکونی، میزان سایه‌اندازی در فضاهای جمعی.	انجام فعالیت‌ها و مراسم دینی و فرهنگی در فضاهای همگانی محله، میزان مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه در محله، برگزاری جشن‌ها و مناسبات فرهنگی در محله، وجود عناصر هویت‌ساز، میزان شرکت در فعالیت‌های هنری، وجود باور به بهبود کیفیت محیط و شرایط زندگی در محدوده، وجود باور به نقش مدیریتی نهادها و شوراهای محلی به بهبود شرایط، میزان باور به عدالت اجتماعی.	میزان سایه‌اندازی در فضاهای جمعی، فضاهای جمعی، وضعیت سیستم جمع‌آوری زباله، کیفیت دفع مواد زائد محیط، اهمیت‌دادن هم‌محله‌ها به بازیافت مواد زائد، میزان کارایی تأسیسات زیربنایی، تعداد ساختمان‌های واجد ارزشی حفاظت‌شده (ساختمان دارای قدمتی بیش از ۵۰ سال و کلیت آن حفظ شده باشد، به‌طوری که به‌عنوان یک اثر معماری در خور توجه باشد)، وجود فضاهای سبز برای گذران اوقات فراغت، وجود مسیرهای سبز پیاده، دیده‌شدن فضاهای سبز در مسیرهای اصلی، وجود درختان و پوشش گیاهی کنار پیاده‌رو برای تأمین آسایش اقلیمی، توجه به معیارهای اقلیمی در ساخت‌وساز، رعایت الگوی بهینه مصرف آب، برق، گاز و ... و توجه به اصل توسعه پایدار.
روشنایی	روشنایی در روز و شب، میزان سایه‌اندازی در معابر فرعی-مسکونی، میزان سایه‌اندازی در فضاهای جمعی.	روشنایی در روز و شب، میزان سایه‌اندازی در معابر فرعی-مسکونی، میزان سایه‌اندازی در فضاهای جمعی.	روشنایی در روز و شب، میزان سایه‌اندازی در معابر فرعی-مسکونی، میزان سایه‌اندازی در فضاهای جمعی.	انجام فعالیت‌ها و مراسم دینی و فرهنگی در فضاهای همگانی محله، میزان مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه در محله، برگزاری جشن‌ها و مناسبات فرهنگی در محله، وجود عناصر هویت‌ساز، میزان شرکت در فعالیت‌های هنری، وجود باور به بهبود کیفیت محیط و شرایط زندگی در محدوده، وجود باور به نقش مدیریتی نهادها و شوراهای محلی به بهبود شرایط، میزان باور به عدالت اجتماعی.	میزان سایه‌اندازی در فضاهای جمعی، فضاهای جمعی، وضعیت سیستم جمع‌آوری زباله، کیفیت دفع مواد زائد محیط، اهمیت‌دادن هم‌محله‌ها به بازیافت مواد زائد، میزان کارایی تأسیسات زیربنایی، تعداد ساختمان‌های واجد ارزشی حفاظت‌شده (ساختمان دارای قدمتی بیش از ۵۰ سال و کلیت آن حفظ شده باشد، به‌طوری که به‌عنوان یک اثر معماری در خور توجه باشد)، وجود فضاهای سبز برای گذران اوقات فراغت، وجود مسیرهای سبز پیاده، دیده‌شدن فضاهای سبز در مسیرهای اصلی، وجود درختان و پوشش گیاهی کنار پیاده‌رو برای تأمین آسایش اقلیمی، توجه به معیارهای اقلیمی در ساخت‌وساز، رعایت الگوی بهینه مصرف آب، برق، گاز و ... و توجه به اصل توسعه پایدار.
طراحی معابر	کیفیت سنگ‌فرش معابر، مناسب‌بودن شیب معبر برای گذر پیاده و افراد معلول و سالمند، مسیر مجزای پیاده و دوچرخه، دسترسی به چراغ راهنمایی و خط‌کشی عابر پیاده.	روشنایی در روز و شب، میزان سایه‌اندازی در معابر فرعی-مسکونی، میزان سایه‌اندازی در فضاهای جمعی.	انجام فعالیت‌ها و مراسم دینی و فرهنگی در فضاهای همگانی محله، میزان مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه در محله، برگزاری جشن‌ها و مناسبات فرهنگی در محله، وجود عناصر هویت‌ساز، میزان شرکت در فعالیت‌های هنری، وجود باور به بهبود کیفیت محیط و شرایط زندگی در محدوده، وجود باور به نقش مدیریتی نهادها و شوراهای محلی به بهبود شرایط، میزان باور به عدالت اجتماعی.	میزان سایه‌اندازی در فضاهای جمعی، فضاهای جمعی، وضعیت سیستم جمع‌آوری زباله، کیفیت دفع مواد زائد محیط، اهمیت‌دادن هم‌محله‌ها به بازیافت مواد زائد، میزان کارایی تأسیسات زیربنایی، تعداد ساختمان‌های واجد ارزشی حفاظت‌شده (ساختمان دارای قدمتی بیش از ۵۰ سال و کلیت آن حفظ شده باشد، به‌طوری که به‌عنوان یک اثر معماری در خور توجه باشد)، وجود فضاهای سبز برای گذران اوقات فراغت، وجود مسیرهای سبز پیاده، دیده‌شدن فضاهای سبز در مسیرهای اصلی، وجود درختان و پوشش گیاهی کنار پیاده‌رو برای تأمین آسایش اقلیمی، توجه به معیارهای اقلیمی در ساخت‌وساز، رعایت الگوی بهینه مصرف آب، برق، گاز و ... و توجه به اصل توسعه پایدار.	
خوانایی	وجود تابلوهای هدایت مسیر در معابر محله‌ای، خوانایی تابلوهای هدایت مسیر، وجود ورودی تعریف‌شده و منحصر به فرد برای محله، وجود مجسمه‌های خاص در محدوده برای هدایت مسیر.	روشنایی در روز و شب، میزان سایه‌اندازی در معابر فرعی-مسکونی، میزان سایه‌اندازی در فضاهای جمعی.	انجام فعالیت‌ها و مراسم دینی و فرهنگی در فضاهای همگانی محله، میزان مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه در محله، برگزاری جشن‌ها و مناسبات فرهنگی در محله، وجود عناصر هویت‌ساز، میزان شرکت در فعالیت‌های هنری، وجود باور به بهبود کیفیت محیط و شرایط زندگی در محدوده، وجود باور به نقش مدیریتی نهادها و شوراهای محلی به بهبود شرایط، میزان باور به عدالت اجتماعی.	میزان سایه‌اندازی در فضاهای جمعی، فضاهای جمعی، وضعیت سیستم جمع‌آوری زباله، کیفیت دفع مواد زائد محیط، اهمیت‌دادن هم‌محله‌ها به بازیافت مواد زائد، میزان کارایی تأسیسات زیربنایی، تعداد ساختمان‌های واجد ارزشی حفاظت‌شده (ساختمان دارای قدمتی بیش از ۵۰ سال و کلیت آن حفظ شده باشد، به‌طوری که به‌عنوان یک اثر معماری در خور توجه باشد)، وجود فضاهای سبز برای گذران اوقات فراغت، وجود مسیرهای سبز پیاده، دیده‌شدن فضاهای سبز در مسیرهای اصلی، وجود درختان و پوشش گیاهی کنار پیاده‌رو برای تأمین آسایش اقلیمی، توجه به معیارهای اقلیمی در ساخت‌وساز، رعایت الگوی بهینه مصرف آب، برق، گاز و ... و توجه به اصل توسعه پایدار.	
سیما و منظر	وجود ساختمان‌های دارای معماری خاص و نشانه، دیده‌شدن فضاهای سبز در مسیرهای اصلی.	روشنایی در روز و شب، میزان سایه‌اندازی در معابر فرعی-مسکونی، میزان سایه‌اندازی در فضاهای جمعی.	انجام فعالیت‌ها و مراسم دینی و فرهنگی در فضاهای همگانی محله، میزان مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه در محله، برگزاری جشن‌ها و مناسبات فرهنگی در محله، وجود عناصر هویت‌ساز، میزان شرکت در فعالیت‌های هنری، وجود باور به بهبود کیفیت محیط و شرایط زندگی در محدوده، وجود باور به نقش مدیریتی نهادها و شوراهای محلی به بهبود شرایط، میزان باور به عدالت اجتماعی.	میزان سایه‌اندازی در فضاهای جمعی، فضاهای جمعی، وضعیت سیستم جمع‌آوری زباله، کیفیت دفع مواد زائد محیط، اهمیت‌دادن هم‌محله‌ها به بازیافت مواد زائد، میزان کارایی تأسیسات زیربنایی، تعداد ساختمان‌های واجد ارزشی حفاظت‌شده (ساختمان دارای قدمتی بیش از ۵۰ سال و کلیت آن حفظ شده باشد، به‌طوری که به‌عنوان یک اثر معماری در خور توجه باشد)، وجود فضاهای سبز برای گذران اوقات فراغت، وجود مسیرهای سبز پیاده، دیده‌شدن فضاهای سبز در مسیرهای اصلی، وجود درختان و پوشش گیاهی کنار پیاده‌رو برای تأمین آسایش اقلیمی، توجه به معیارهای اقلیمی در ساخت‌وساز، رعایت الگوی بهینه مصرف آب، برق، گاز و ... و توجه به اصل توسعه پایدار.	
دسترسی	کیفیت دسترسی به فضاهای جمعی برای گذران اوقات فراغت، کیفیت دسترسی به مقاصد خرید و بازار محله‌ای، کیفیت دسترسی به شبکه حمل‌ونقل عمومی، سهولت دسترسی به بازار مرکز محله، دسترسی به پارکینگ، دسترسی مناسب به خدمات الکترونیکی (عابر بانک‌ها، پست بانک‌ها، پلیس ۱۰۰ و ...).	روشنایی در روز و شب، میزان سایه‌اندازی در معابر فرعی-مسکونی، میزان سایه‌اندازی در فضاهای جمعی.	انجام فعالیت‌ها و مراسم دینی و فرهنگی در فضاهای همگانی محله، میزان مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه در محله، برگزاری جشن‌ها و مناسبات فرهنگی در محله، وجود عناصر هویت‌ساز، میزان شرکت در فعالیت‌های هنری، وجود باور به بهبود کیفیت محیط و شرایط زندگی در محدوده، وجود باور به نقش مدیریتی نهادها و شوراهای محلی به بهبود شرایط، میزان باور به عدالت اجتماعی.	میزان سایه‌اندازی در فضاهای جمعی، فضاهای جمعی، وضعیت سیستم جمع‌آوری زباله، کیفیت دفع مواد زائد محیط، اهمیت‌دادن هم‌محله‌ها به بازیافت مواد زائد، میزان کارایی تأسیسات زیربنایی، تعداد ساختمان‌های واجد ارزشی حفاظت‌شده (ساختمان دارای قدمتی بیش از ۵۰ سال و کلیت آن حفظ شده باشد، به‌طوری که به‌عنوان یک اثر معماری در خور توجه باشد)، وجود فضاهای سبز برای گذران اوقات فراغت، وجود مسیرهای سبز پیاده، دیده‌شدن فضاهای سبز در مسیرهای اصلی، وجود درختان و پوشش گیاهی کنار پیاده‌رو برای تأمین آسایش اقلیمی، توجه به معیارهای اقلیمی در ساخت‌وساز، رعایت الگوی بهینه مصرف آب، برق، گاز و ... و توجه به اصل توسعه پایدار.	

شاخص‌ها (جدول ۲)، بیشتر از ۷۰ درصد است و بیانگر آن است که هم‌بستگی درونی گویه‌ها مناسب است. به‌منظور تجزیه و تحلیل نهایی داده‌ها، از مدل معادلات ساختاری در محیط نرم‌افزار آموس گرافیک^{۱۲} استفاده شده است.

جدول ۲. ضریب آلفای کرونباخ شاخص‌ها

شاخص‌ها	تعداد گویه	میزان آلفا
شاخص‌های کالبدی	۳۲	۰,۸۶۸
سرزندگی اجتماعی	۱۸	۰,۸۷۶
سرزندگی فرهنگی	۱۲	۰,۷۷۹
سرزندگی اقتصادی	۹	۰,۷۴۱
زیست‌پذیری محیطی	۱۳	۰,۷۸۸
احساس تعلق و دلبستگی	۱۴	۰,۸۰۸

(برگرفته از پرسش‌نامه و محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۲)

تجزیه و تحلیل

- یافته‌های توصیفی

پس از سنجش متغیرهای مؤثر بر سرزندگی و زیست‌پذیری محله سنبلستان، میانگین و انحراف معیار هر یک از این متغیرها ارائه شده است. باتوجه‌به مطالب جدول ۳ و تصویر ۱ مشخص شد که وضعیت شاخص‌های یادشده در این محله مناسب نیست. به‌طوری‌که میانگین همه آنها کمتر از ۳ است. به‌عبارت دیگر، از حد متوسط پائین‌تر است. بین شاخص‌ها، وضعیت تأسیسات شهری و دسترسی، مناسب‌تر از سایر شاخص‌هاست. همچنین، از بین چهار شاخص سرزندگی، وضعیت سرزندگی اقتصادی مناسب‌تر از سایرین است. باوجود شرایط نامساعد اکثر شاخص‌ها، احساس تعلق محله نیز ضعیف است ولی وضعیت مساعدتری نسبت به شاخص‌های اثرگذار به احساس تعلق محله‌ای دارد.

تحلیل استنباطی داده‌ها

در مدل‌سازی معادلات ساختاری، دو نوع متغیر اصلی وجود دارد: متغیرهای بیرونی که همواره به‌صورت متغیرهایی مستقل‌اند و در معادلات ساختاری، با نماد X نمایش داده می‌شوند. متغیرهای درونی، عنصری از مدل ساختاری‌اند که حداقل یک پیکان یک‌سویه به سمت آنها نشانه رفته و نمادشان در معادلات ساختاری، Y است.

فضائی راه‌حل‌ها و نیازهای جوامع امروز را در همه سطوح و همه زمینه‌ها، خصوصاً زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی تحقق بخشیده و فضا و کالبد معنی‌دار و هدفمندی را برای شهرها پدید آورد.

لی^{۱۰} (۲۰۰۸)، هشت متغیر کیفیت زندگی را شناسایی می‌کند؛ مسکن، محیط ساخته‌شده، ایمنی محله، شرایط بهداشتی محله، کیفیت خدمات عمومی، دسترسی به خدمات عمومی، روابط اجتماعی و درآمد خانوار. در ادامه این مطالعه، هشت متغیر یادشده در رابطه با سنجش کیفیت زندگی، به شاخص‌های متعددی تقسیم شده است که به طرق مختلفی در سطح محلات سنجش می‌شوند.

بنابر پیشینه مطالعاتی پژوهش حاضر، هرکدام از این مطالعات جنبه‌های خاصی از سرزندگی را بررسی کرده‌اند. منابع خارجی بیشتر شاخص‌های سرزندگی و رتبه‌بندی شهرهای سرزنده دنیا را تعریف و مطالعات داخلی بیشتر جنبه‌های نظری سرزندگی و هویت اجتماعی را بررسی کرده‌اند. در این پژوهش ضمن مطالعه مجدد سایر منابع، به بررسی شاخص‌های کالبدی در سرزندگی و زیست‌پذیری محلات مختلف شهر اصفهان نیز اقدام می‌شود. بنابراین به‌منظر می‌رسد این موضوع با حجم کار مدنظر، موضوعی کاربردی و نو محسوب می‌گردد.

برحسب مطالعات انجام‌شده، هفت شاخص کالبدی مشخص شد که تقریباً تمامی موارد کالبدی مدنظر نظریه‌پردازان و طراحان محیطی را دربرمی‌گیرد: تأسیسات زیربنایی، مبلمان شهری، روشنایی، خوانایی، طراحی معابر، سیما و منظر و دسترسی. این شاخص‌ها به کمک پرسش‌نامه محقق ساخته و سنجیده شده‌اند.

روش پژوهش

توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری، افراد ساکن در محله سنبلستان اصفهان است که براساس برداشت‌های میدانی در سال ۱۳۹۲، برابر با ۲۵۰۲ نفر بوده‌اند. برای انتخاب نمونه آماری این جامعه، از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است. تعداد نمونه آماری، براساس فرمول کوکران، ۱۰۸ نفر برآورد شده که برای اطمینان بیشتر ۱۰ درصد به آن اضافه شده است. بنابراین، تعداد نهایی نمونه آماری ۱۲۰ نفر است. این تعداد به نسبت تعداد جمعیت ساکن در بخش‌های مختلف محله سنبلستان، توزیع شده است.

برای محاسبه پایایی گویه‌ها، از ضریب آلفای کرونباخ^{۱۱} استفاده شده است. به این روش، به‌عنوان یکی از ضرایب پایایی می‌توان اعتماد کرد. ضریب آلفای کرونباخ هر یک از

در مدل مفروض ارائه‌شده، تنها متغیر بیرونی، متغیر شاخص کالبدی است و متغیرهای درونی شامل ۵ متغیر اصلی هستند: سرزندگی اجتماعی Y1، سرزندگی اقتصادی Y2، سرزندگی فرهنگی Y3، زیست‌پذیری محیطی Y4 و احساس تعلق و دلبستگی Y5.

آنچه در این مدل قبل از بررسی معیارهای کمی، تحلیل می‌شود، اثرگذاری ۴ معیار سرزندگی اجتماعی، سرزندگی اقتصادی، سرزندگی فرهنگی و سرزندگی زیست‌محیطی بر شاخص احساس تعلق و وابستگی نسبت به محله است. همچنین ارتباط و نحوه اثرگذاری درونی ۴ معیار یادشده، درخور تأمل است. بنابراین، در مجموع این مدل دارای ۱ پارامتر فی، ۵ پارامتر گاما، ۸ پارامتر بتا و ۵ پارامتر سای است (تصویر ۲).

برای انجام معادلات ساختاری، لازم است جدول واریانس-کوواریانس تشکیل شود (جدول ۵). در قطر اصلی این جدول، واریانس و در قسمت بالایی و پائینی، کوواریانس قرار دارد که قسمت بالایی تکرار قسمت پائینی است. بنابراین، فقط یک قسمت از آن در نظر گرفته می‌شود. باتوجه به تصویر ۳، پس از وارد نمودن داده‌های واریانس-کوواریانس به کمک نرم‌افزار آموس گرافیک، میزان اثرگذاری متغیر بیرونی (شاخص کالبدی) روی متغیرهای درونی (سرزندگی اجتماعی، سرزندگی اقتصادی، سرزندگی فرهنگی، زیست‌پذیری محیطی و احساس تعلق و وابستگی)، نمایش داده شده است. مقادیر نمایش داده‌شده، وزن رگرسیونی هر یک از شاخص‌ها است. علاوه بر آن مقادیر، واریانس خطای شاخص‌های مذکور نیز با علامت Z نمایش

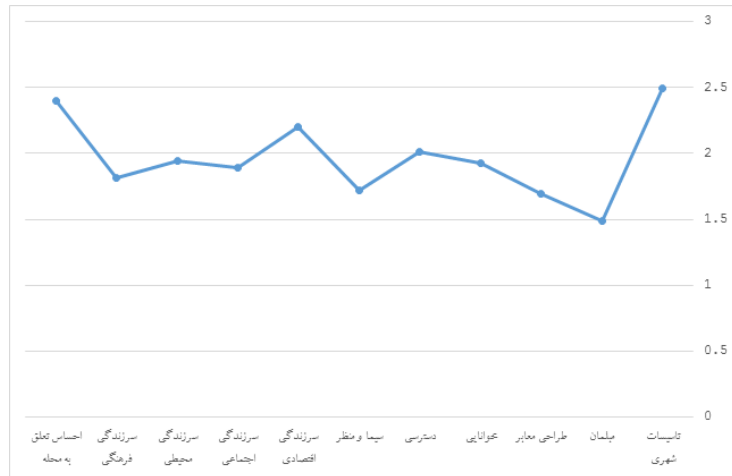
داده شده است. همچنین، ضریب تأثیر متغیرهای درونی که برابر با ۱ است و حاصل وزن رگرسیونی اثر متغیرهای خطا روی هر یک از متغیرهای درونی نیز، به نمایش درآمده است. پس از کسر میزان خطا و براساس میزان بتای استاندارد، نتایجی بدین شرح به دست آمد. باتوجه به مطالب جدول و تصویر ۴، رابطه شاخص‌های کالبدی با سرزندگی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، زیست‌پذیری محیطی و احساس تعلق و وابستگی که با X1 نمایش داده شده‌اند، بدین‌قرار است: مسیر ۱؛ اولین مسیر مربوط به میزان اثرگذاری شاخص‌های کالبدی روی سرزندگی اقتصادی است. باتوجه به مقدار بتا (Estimate) ۰,۳۱۱، بتای استاندارد ۰,۳۹، نسبت بحرانی (C.R) و سطح معنادار آن (P)، نتیجه می‌شود رابطه معناداری میان شاخص‌های کالبدی محله سنبلستان و سرزندگی اقتصادی وجود دارد.

مسیر ۲؛ رابطه میان شاخص‌های کالبدی و سرزندگی اجتماعی است. مقادیر بتا ۰,۱۵، نسبت بحران ۱,۸۸- و سطح معناداری آن ۰,۰۶۰ نشان می‌دهد، شاخص‌های کالبدی محله سنبلستان نقش مؤثری بر سرزندگی اجتماعی محله‌ای نداشته و به عبارت دیگر، رابطه معناداری میان این دو شاخص وجود ندارد. مسیر ۳؛ سنجش میزان ارتباط سرزندگی اقتصادی و سرزندگی اجتماعی بررسی شده است. به بیان دیگر، این مسئله بررسی می‌شود که رونق اقتصادی محله سنبلستان به چه میزان روی سرزندگی اجتماعی اثرگذار است. باتوجه به مقدار بتای ۰,۹۱۳ و بتای استاندارد ۰,۶۷ و فاصله‌ای که از

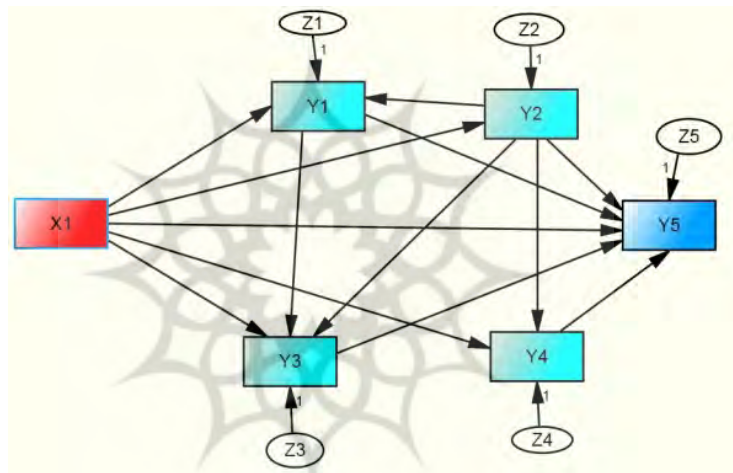
جدول ۳. میانگین و انحراف معیارهای شاخص‌های مورد پژوهش

شاخص	تعداد	میانگین	انحراف معیار
تأسیسات شهری	۱۲۰	۲,۴۹	۰/۱۵
مبلمان	۱۲۰	۱,۴۹	۰/۴۴
طراحی معابر	۱۲۰	۱,۶۹	۰/۵۰
خوانایی	۱۲۰	۱,۹۳	۰/۴۶
دسترسی	۱۲۰	۲,۰۱	۰/۵۰
سیما و منظر	۱۲۰	۱,۷۲	۰/۶۷
سرزندگی اقتصادی	۱۲۰	۲,۲	۰/۵۳
سرزندگی اجتماعی	۱۲۰	۱,۸۹	۰/۳۹
زیست‌پذیری محیطی	۱۲۰	۱,۹۴	۰/۴۸
سرزندگی فرهنگی	۱۲۰	۱,۸۱	۰/۳۶
احساس تعلق به محله	۱۲۰	۲,۴	۰/۳۸

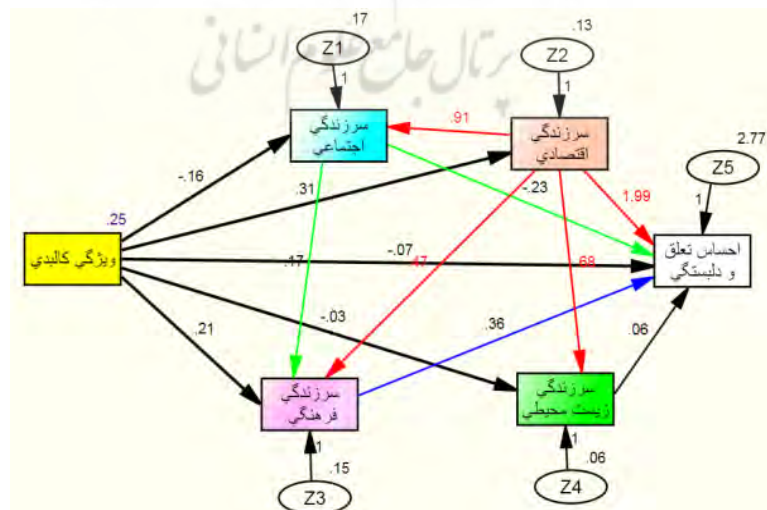
(نگارندگان)



تصویر ۱. وضعیت شاخص‌های سرزندگی و احساس تعلق در محله سنبلستان (نگارندگان)



تصویر ۲. مدل مسیر تدوین شده براساس ماتریس واریانس- کواریانس (نگارندگان)



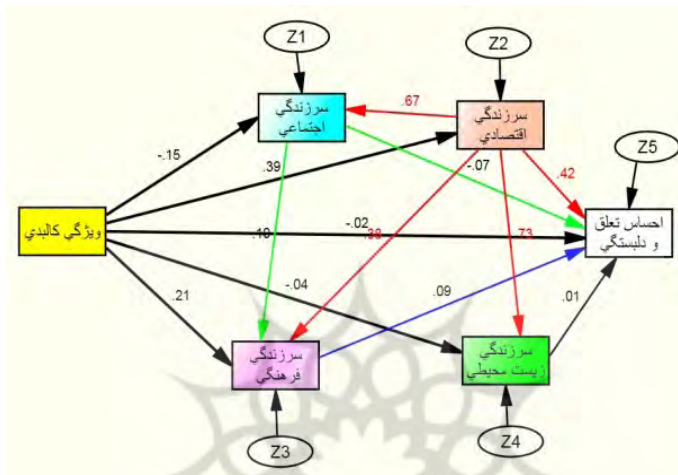
تصویر ۳. مدل مفروض ترسیم شده پس از وارد نمودن داده‌های واریانس- کواریانس؛ مقادیر عددی و میزان خطا (نگارندگان)

می‌توان گفت، میان شاخص‌های کالبدی و سرزندگی فرهنگی محله سنبلستان رابطه معناداری وجود دارد. در مجموع می‌توان گفت، ۲۰ درصد از سرزندگی فرهنگی در محله سنبلستان مربوط به ویژگی‌های کالبدی محله است.

مسیر ۵؛ به بررسی رابطه میان ویژگی‌های کالبدی و زیست‌پذیری محیطی پرداخته و بیانگر آن است که رابطه میان این دو پارامتر، معنادار نیست. به عبارت دیگر، ویژگی‌های کالبدی محله سنبلستان تأثیری بر زیست‌پذیری محیطی

نسبت بحرانی ۸,۶۹۵ دارد و با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت، رابطه معناداری میان سرزندگی اقتصادی و سرزندگی اجتماعی در محله سنبلستان وجود دارد. همچنین، ۶۷ درصد از سرزندگی اجتماعی در این محله، به کمک شاخص‌های سرزندگی اقتصادی تبیین می‌شود.

مسیر ۴؛ بررسی میزان اثرگذاری شاخص‌های کالبدی روی سرزندگی فرهنگی است. بنا بر مقدار بتا ۰,۲۱۱، نسبت بحرانی ۲,۶۶ و سطح معناداری آن ۰,۰۰۸، با ۹۹ درصد اطمینان



تصویر ۴. مدل مفروض ترسیم‌شده بر اساس مقادیر واریانس-کوواریانس و پس از کسر مقادیر خطا (نگارندگان)

جدول ۴. وزن‌های رگرسیونی شاخص‌ها

		مسیر	Estimate	S.E.	C.R.	P
Y2	<---	X1	.311	.067	4.670	***
Y1	<---	X1	-.156	.083	-1.883	.060
Y1	<---	Y2	.913	.105	8.695	***
Y3	<---	X1	.211	.079	2.660	.008
Y4	<---	X1	-.031	.051	-.606	.545
Y3	<---	Y1	.175	.087	2.019	.044
Y3	<---	Y2	.474	.127	3.742	***
Y4	<---	Y2	.684	.065	10.577	***
Y5	<---	X1	-.068	.349	-.195	.846
Y5	<---	Y1	-.233	.376	-.620	.535
Y5	<---	Y2	1.994	.704	2.831	.005
Y5	<---	Y3	.356	.391	.910	.363
Y5	<---	Y4	.058	.600	.097	.923

X1: شاخص‌های کالبدی Y1: سرزندگی اجتماعی Y2: سرزندگی اقتصادی Y3: سرزندگی فرهنگی

Y4: زیست‌پذیری محیطی Y5: احساس تعلق و وابستگی (نگارندگان)

استفاده می‌شود. هرچه تفاوت میان کوواریانس بازتولیدشده و ماتریس اولیه کمتر باشد، نشان دهنده برازش مناسب مدل است. هرچه این تفاضل به صفر نزدیک‌تر شود، مقدار کای اسکوئر نیز کاهش خواهد یافت. به عبارتی، اگر ماتریس اولیه δ و ماتریس بازتولیدشده Σ باشد، آن‌گاه می‌توان چنین رابطه‌ای را برای آن متصور شد:

$$X^2=0 \quad \text{Sig}=1\delta-\Sigma=0$$

بنابر مطالب جدول ۷، ماتریس کوواریانس باقی‌مانده، نشانگر برازش مناسب مدل است.

سنجش برازش مدل مفهومی

مطالب جدول ۵ که باقی‌مانده استاندارد کوواریانس را نشان داده، یکی از معیارهایی است که برای ارزیابی برازش داده‌ها به مدل، از آن استفاده می‌شود. در مجموع، اگر مدل از برازش مناسبی برخوردار باشد، انتظار می‌رود قدرمطلق باقی‌مانده استاندارد از مقدار ۱،۹۶ کوچک‌تر باشد. وجود مقادیر بزرگ‌تر، از برازش مدل خواهد کاست. براین اساس، مدل یادشده از برازش مناسبی برخوردار است. برای سنجش برازش مدل از روش‌هایی بدین شرح استفاده شده است:

- مدل Cmin

در توضیح مقدار کای اسکوئر مدل (Cmin) و سطح معناداری آن، هرچه مقدار کای اسکوئر کوچک‌تر باشد، برازش مدل تدوین شده از سوی پژوهشگر رضایت‌بخش‌تر و بهتر است. چنانچه $\text{Sig} > 0.05$ باشد، می‌توان نتیجه گرفت که ساختار کوواریانس مدل به صورت معناداری از ساختار کوواریانس مشاهده شده، متفاوت نبوده و با تأثیر فرضیه صفر که بیان می‌کند: $H_0 \delta = \Sigma$ مدل تدوین شده را پژوهشگر به طور کلی تأیید می‌کند. هرچند ممکن است برخی از بخش‌های جزئی مدل به لحاظ آماری پذیرفته شده نباشد (قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۴۵). باتوجه به مقدار کای اسکوئر (۱،۳۹) و سطح معناداری آن

جدول ۶. کوواریانس بازتولیدشده

	X1	Y2	Y1	Y4	Y3	Y5
X1	.247					
Y2	.077	.154				
Y1	.031	.128	.283			
Y4	.045	.103	.087	.134		
Y3	.094	.111	.117	.073	.245	
Y5	.165	.317	.235	.215	.280	3.447

(نگارندگان)

آن ندارد. مقدار بتا، فاصله بحرانی و سطح معناداری آن نیز، گویای این مسئله است.

مسیر ۶؛ سنجش میزان اثرگذاری سرزندگی اجتماعی روی سرزندگی فرهنگی محله سنبلستان بررسی شده است. باتوجه به مقادیر بتا، بتای استاندارد، نسبت بحرانی (C.R) و سطح معناداری آن (۰،۰۴)، رابطه معناداری میان سرزندگی اجتماعی و سرزندگی فرهنگی در محله سنبلستان وجود دارد و حدود ۱۹ درصد از سرزندگی فرهنگی، مربوط به سرزندگی اجتماعی در محله است.

مسیر ۷؛ ارتباط سرزندگی اقتصادی و سرزندگی فرهنگی سنجد شده است. باتوجه به مقادیر بتا (Estimate)، بتای استاندارد ۰،۴۰، نسبت بحرانی (C.R) و سطح معناداری آن (P)، نتیجه می‌شود رابطه معناداری میان سرزندگی اقتصادی و سرزندگی فرهنگی در محله سنبلستان وجود دارد و حدود ۴۰ درصد از سرزندگی فرهنگی مربوط به رونق اقتصادی محله است. مسیر ۸؛ ارتباط میان سرزندگی اقتصادی و سرزندگی زیست‌محیطی به صورت معنادار است. مقادیر بتا، بتای استاندارد، نسبت بحرانی و سطح معناداری آن نشان می‌دهد، بیش از ۶۰ درصد زیست‌پذیری محیطی به کمک سرزندگی اقتصادی، در محله مذکور تبیین می‌شود.

مسیرهای ۱۳-۹؛ اثر ویژگی‌های کالبدی و پارامترهای چهارگانه سرزندگی را روی احساس تعلق و وابستگی محله‌ای، بررسی کرده است. براین اساس، از میان شاخص‌های یادشده، تنها رابطه میان سرزندگی اقتصادی و احساس تعلق و وابستگی محله‌ای، معنادارند. مقادیر مربوط به بتای استاندارد ۰،۴۲، نسبت بحرانی ۲،۸۸ و سطح معناداری آن ۰،۰۰۴ بیانگر آن است که بیش از ۴۰ درصد از احساس تعلق و وابستگی مردم محله سنبلستان، مربوط به سرزندگی و رونق اقتصادی در محله است. در جدول ۶، کوواریانس برای مقایسه با کوواریانس اولیه بازتولیدشده است. این نوع ماتریس، برای ارزیابی برازش مدل

جدول ۵. واریانس - کوواریانس اولیه

	X1	Y2	Y1	Y4	Y3	Y5
X1	.247					
Y2	.077	.154				
Y1	.031	.128	.283			
Y4	.045	.103	.087	.134		
Y3	.094	.111	.117	.073	.245	
Y5	.165	.317	.235	.215	.280	3.447

(نگارندگان)

(P=0.498)، نتیجه می‌شود مدل مفروض مناسب بوده و نیاز به اصلاحات چندانی ندارد (جدول ۸).

- مدل بنتلر، بوت یا NFI

از طریق این فرمول محاسبه می‌شود:

$$\Delta E^* = \sqrt{(\Delta L^*)^2 + (\Delta \alpha^*)^2 + (\Delta b^*)^2}$$

مقدار پذیرفته‌شده برای این شاخص حداقل ۰,۹۰ است. بنابراین مقدار ۰,۹۹۴، مدل مذکور پذیرفتنی است و نیازی به اصلاح ندارد. سایر شاخص‌های موجود در جدول ۹ مانند شاخص برازش نسبی (RFI)، برازش افزایشی (IFI)، توکر- لوییس (TLI) و برازش تطبیقی (CFI)، نشانگر پذیرفته‌شدن مدل مذکور است. هرچه این شاخص‌ها به ۱ نزدیک‌تر باشند، گویای مناسب‌بودن برازش مدل است.

جدول ۷. کوواریانس باقی‌مانده استاندارد

	X1	Y2	Y1	Y4	Y3	Y5
X1	.000					
Y2	.000	.000				
Y1	.000	.000	.000			
Y4	.000	.000	.539	.000		
Y3	.000	.000	.000	-.121	.000	
Y5	.000	.000	.007	-.049	-.001	-.001

(نگارندگان)

جدول ۸. محاسبه مقادیر کای اسکوئر و سطح معناداری آنها

Model	NPAR	CMIN	DF	P	CMIN/DF
Default model	19	1.396	2	.498	.698
Saturated model	21	.000	0		
Independence model	6	250.985	15	.000	16.732

(نگارندگان)

جدول ۹. مدل‌های بنتلر، بوت و ...

Model	NFI Delta1	RFI rho1	IFI Delta2	TLI rho2	CFI
Default model	.994	.958	1.002	1.019	1.000
Saturated model	1.000		1.000		1.000
Independence model	.000	.000	.000	.000	.000

(نگارندگان)

نتیجه‌گیری

باتوجه به میزان اثرگذاری متغیر مستقل بیرونی و درونی روی متغیرهای وابسته، نتایجی بدین شرح به دست آمده است: شاخص‌های کالبدی نقش مؤثری بر سرزندگی اقتصادی محله دارند. وجود بازارهای محله‌ای واقع شده در کنار خیابان‌های تجاری و حضور گردشگران در این مسیرها، موجبات ارتقای سرزندگی اقتصادی را فراهم نموده است. شاخص‌های کالبدی قادر به تأثیرگذاری بر سرزندگی اجتماعی نبوده است. براین اساس، می‌توان این‌طور نتیجه گرفت که ویژگی‌های کالبدی، موجب نزول سرزندگی اجتماعی، چه از نظر تعداد خدمات و چه نحوه ارتباط افراد محله با یکدیگر، گردیده است.

سرزندگی اقتصادی که شامل متغیرهایی مانند: رونق اقتصادی، اشتغال، فعالیت‌های تجاری و حضور گردشگران است، نقش مؤثری بر سرزندگی اجتماعی محله دارند. همچنین، فضاهایی که به‌عنوان بازار و مرکز محله برای خرید منظور شده‌اند، توانسته‌اند نقش مؤثری در تعاملات اجتماعی محله داشته باشند. می‌توان گفت ۶۷ درصد از سرزندگی اجتماعی محله سنبلستان، نتیجه سرزندگی اقتصادی آن است. استقرار این محله در مجاورت مسیرهای بازار اصلی شهر مانند خیابان‌های چهارباغ و عبدالرزاق، موجبات رونق اقتصادی آن شده است.

شاخص‌های کالبدی رابطه معناداری با سرزندگی فرهنگی محله سنبلستان دارند. به‌عبارتی، وجود برخی عناصر کالبدی در محله مانند مسجد و حسینیه‌ها موجبات سرزندگی فرهنگی محله را تا حدودی فراهم نموده است. البته میزان اثرگذاری این شاخص‌ها به دلیل ضعف سایر ویژگی‌های کالبدی کم است. در مجموع، تنها ۲۰ درصد از سرزندگی فرهنگی محله با عناصر کالبدی تأمین شده است.

رابطه معناداری میان سرزندگی اجتماعی و فرهنگی در محله سنبلستان وجود دارد. در واقع، تشابهات فرهنگی موجود در محله همانند مذهب و قومیت، به حیات روزمره، اندیشه‌ها و فعالیت‌های ساکنین نظم بخشیده و موجبات شکل‌گیری روابط اجتماعی چهره‌به‌چهره گردیده است. وجود برخی از شاخص‌های اجتماعی از نظر کمی، مانند تعداد کتابخانه‌ها، مراکز آموزشی، بهداشتی-درمانی و نیز شاخص‌های کیفی اجتماعی مانند: امنیت، اعتماد، آرامش محله‌ای و روابط افراد در محله موجبات تأمین سرزندگی فرهنگی را فراهم نموده است. مطابق با مدل مفروض، در مجموع میزان اثرگذاری سرزندگی اجتماعی بر سرزندگی فرهنگی، ۱۹ درصد برآورد شده است.

سرزندگی اقتصادی محله، نقش بسیار مؤثری بر سرزندگی فرهنگی آن دارد. می‌توان گفت مهم‌ترین عاملی که تأثیر اساسی بر سرزندگی فرهنگی دارد، سرزندگی اقتصادی است. در مجموع، ۴۰ درصد از سرزندگی فرهنگی محله، مربوط به رونق اقتصادی محله سنبلستان است.

از میان متغیرهای چهارگانه: شاخص کالبدی، سرزندگی فرهنگی، سرزندگی اجتماعی و سرزندگی اقتصادی، تنها سرزندگی اقتصادی نقش مؤثری بر زیست‌پذیری محیطی دارد. وضعیت شاخص‌های زیست‌محیطی در محله سنبلستان ضعیف است. به‌گونه‌ای که برخی معابر و گذرگاه‌های محله‌ای حداقل میزان پوشش گیاهی و درخت را ندارند. در این میان، برخی از خانوارها که حیاط بزرگ در محدوده سکونت‌گاهی خود دارند، فضایی را به کاشت گیاهان و درختان اختصاص داده‌اند.

در نهایت، نتایج گویای آن است که از میان ۵ شاخص اصلی، تنها سرزندگی اقتصادی است که موجب وابستگی، ماندگاری و احساس تعلق به محله سنبلستان شده است. همچنین، سایر شاخص‌ها نقش مؤثری بر احساس تعلق مردم نسبت به محله ندارند. حتی برخی از شاخص‌ها نظیر شاخص‌های کالبدی و سرزندگی اجتماعی تأثیری منفی بر احساس تعلق و وابستگی به محله سنبلستان دارند. بنابراین، تنها عاملی که موجبات وابستگی ساکنان را نسبت به این محله و تداوم آن موجب شده، سرزندگی اقتصادی است. به‌عبارتی، در محله سنبلستان اشتراکات فرهنگی و اجتماعی میان افراد تا حدود زیادی اهمیت خود را از دست داده و اشتراک در توان مالی، منجر به هم‌جواری و نه همسایگی ساکنین گردیده است. از این رو، انسجام اجتماعی میان افراد بسیار ضعیف بوده و تضمینی برای سکونت طولانی مدت ساکنان در محله وجود ندارد. در واقع، تعلق محله‌ای میان ساکنان محله که قبلاً تابعی از فاکتورهای فرهنگی و اجتماعی همچون قومیت، نژاد و مذهب بوده، اکنون تابعی از فاکتورهای مادی و اقتصادی است.

- پیشنهادات

براساس نتایج تحلیل مدل مفهومی، در راستای تأمین سرزندگی و زیست‌پذیری در تمام ابعاد مطالعه‌شده در این پژوهش (ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی تعلق و وابستگی به محله مسکونی)، پیشنهادهای بدین شرح ارائه می‌شود:

تزییق کاربری‌های اجتماعی و فرهنگی مورد نیاز در راستای تأمین سرزندگی اجتماعی و پیرو آن، سرزندگی فرهنگی ضروری است.

ارتقای کالبد و توجه به انتظارات ساکنین، گامی مؤثر در جهت تأمین سرزندگی اجتماعی لازم، در این محله خواهد بود و ممکن است در درازمدت موجبات وابستگی و تعلق خاطر افراد به محله خواهد شد.

طراحی فضاهای جمعی مناسب و تجهیز و تقویت مسیرهای بازار درون و برون محله‌ای، ضمن تقویت و ارتقای سرزندگی اقتصادی، تأثیری بسزا بر سرزندگی اجتماعی خواهد داشت.

بهبود فضاهای جمعی، استفاده از پتانسیل موجود در محله برای ایجاد فضاهای فرهنگی نظیر مراکز آموزش هنری، تزییق و تقویت کاربری‌های اجتماعی، همچون: مراکز بهداشتی و کاربری‌های آموزشی به صورت کمی، تقویت و ارتقای امنیت، اعتماد، آرامش و بسترسازی تعاملات اجتماعی افراد به صورت کیفی، اقدام‌هایی مؤثر برای تأمین سرزندگی فرهنگی در محله سنبلستان خواهد شد.

تأمین پوشش گیاهی مورد نیاز و کاشت درختان و گیاهان در فضاهای جمعی و نیز معابر و گذرگاه‌های محله‌ای، در صدر قرار دارد. ایجاد فضای سبز مردم را تشویق به پیاده‌روی کرده، ارزش اراضی را افزایش داده و لذا موجبات ارتقای سرزندگی اقتصادی و اجتماعی را فراهم می‌نماید.

در رابطه با امر بازیافت و نیز جمع‌آوری زباله‌ها که در حال حاضر موجب افت بهداشت گذرگاه‌های محله‌ای شده است، توجه و اقدام جدی و موثر شهرداری ضروری است.

توجه به نیازهای روحی و روانی ناشی از خلاء هویتی مهاجران و مستاجران، تشکیل شوراهای گروه‌های مردمی برای پر کردن کمبود مدیریت شهری از طریق نهادهای غیررسمی و مردمی به منظور رفع مشکلات موجود در محله، اقدام‌هایی مؤثر است که در راستای افزایش مشارکت و حضور مردم در فضاهای محله سنبلستان و در نتیجه، تقویت سرزندگی اجتماعی پیشنهاد می‌گردد.

به جای ادامه روند فعلی، مبنی بر خیابان‌کشی‌های مستقیم و طراحی مرکز محله در تقاطع معابر ماشین‌رو، پیشنهاد می‌گردد فضایی جمعی با محوریت پیاده و همراه با محدود نمودن حرکت سواره طراحی شود.

در پروژه‌های بهسازی و نوسازی آتی در محله، نگاه ترکیبی توأم با رویکرد فرهنگ‌گرا و کارکردگرا جایگزین نگاه صرفاً اقتصادمحور گردد. چراکه اهدافی نظیر استفاده بهینه از زمین و بالابردن ارزش اقتصادی آن، در صورتی موفق خواهد بود که مسائل اجتماعی و فرهنگی بافت نیز در نظر گرفته شوند. ایجاد تسهیل‌گری میان سازندگان و ساکنان از یک‌طرف و ایجاد تعامل میان الگوهای نوسازی مدرن با الگوهای سنتی موجود در بافت از طرف دیگر، می‌تواند شیوه‌های نوسازی مدرن را با علقه‌های فرهنگی بافت هماهنگ سازد. نتیجه این امر، رسیدن به الگویی است که در آن زیست‌پذیری کالبد ارتقا یافته و منجر به سرزندگی اقتصادی و اجتماعی می‌شود.

در طراحی سازمان فضایی پیشنهاد می‌گردد، به ساختار هویتی محله سنبلستان نظیر مساجد قدیمی و ابنیه تاریخی موجود در آن توجه گردد. تأکید و توجه به عناصر نشانه‌ای و هویت‌بخش در ساختار اصلی محله، به ارتقای کیفیت کالبد انجامیده و تأثیری بسزا بر سرزندگی زیست‌محیطی خواهد داشت.

به منظور تقویت سرزندگی اجتماعی و اقتصادی محورهای درون محله‌ای و جلوگیری از ایجاد بدنه‌های پوسیده و بدون فعالیت، می‌توان در بدنه این محورها خدمات مورد نیاز و قابل عرضه جایگذاری کرد.

1. Vanessa Timmer
2. Okulicz
3. Economist؛ نشریه انگلیسی زبان هفتگی و متعلق به شرکت روزنامه اکونومیست است. یکی از بنیان‌گذاران آن جیمز ویلسون در سال ۱۸۴۳ است. این نشریه، تلاش دارد علاوه بر ارائه تحلیل‌ها و نظرات در هر شماره خود، مهم‌ترین رویدادهای تجاری و سیاسی هفته را نیز تحت پوشش قرار دهد.
4. Marans
5. Detroit Metropolitan Area
6. Jacobs
7. Punter & Carmona
8. Greene
9. Kevin Linch
10. Lee
11. Cronbach's alpha
12. Amos Graphic

منابع و مأخذ

- ادیبی، فاطمه و عظیمی، آزاده (۱۳۹۰). تبیین امنیت در محیط شهری برمبنای پارامترهای کالبدی و طراحی (مورد شهر بابلسر)، فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط. (۱۵)، ۱۰۶-۸۱.
- امیرکافی، مهدی و فتحی، شکوفه (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر دل‌بستگی به محله مسکونی، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*. (۱۳)، ۴۱-۵.
- بحرینی، سیدحسین (۱۳۷۶). شهرسازی و توسعه پایدار، *مجله رهیافت*. (۱۷)، ۳۹-۲۸.
- _____ (۱۳۹۰). *فرایند طراحی شهری*. چاپ ششم، تهران: دانشگاه تهران.
- پورمحمد، سها و نژادستاری، سعیده (۱۳۹۰). ضوابط مکانمند در خدمت سرزندگی فضاهای عمومی (با رویکرد به فضای باز)، *ماهنامه دانش‌نما*. سال بیستم، (۲۰۲-۲۰۰)، ۳۵-۲۴.
- شماعی، علی و پوراحمد، احمد (۱۳۸۴). *بهسازی و نوسازی شهری*. چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- عباس‌زاده، غلامرضا و حسین‌پور، علی (۱۳۹۱). *شهرهای قابل سکونت؛ فواید برنامه‌ریزی محیط‌زیست شهری*. چاپ اول، مشهد: طحان.
- عزیزی، محمدمهدی (۱۳۸۵). محله مسکونی پایدار: مطالعه موردی نارمک، نشریه هنر زیبا. (۲۷)، ۴۶-۳۵.
- قاسمی، وحید (۱۳۸۹). *مدل‌سازی معادلات ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد Amos Graphic*. چاپ اول، تهران: جامعه‌شناسان.
- گلکار، کورش (۱۳۷۹). مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری، نشریه صفا. (۳۲)، ۶۵-۳۸.
- Greene, S. (1992). City Shape Communicating and Evaluating Design. *Journal of the American Planning Association*, 58(2): 177-189
- Jacobs, J. (1961). *The Death and Life of Great Cities*. New York: Random House.
- Lee, Y. J. (2008). Subjective Quality of Life Measurement in Taipei. *Journal of Building and Environment*, 43 (7): 1205-1215.
- Marans, R. W. (2003). Understanding Environmental Quality through Quality of Life Studies: The 2001 DAS and Urban Planning 65. *Journal of Landscape and Urban Planning*, 65: 73-83.



- McCrea, R.; Shyy, T. K. & Stimson, R. (2006). What is the Strength of the Link between Objective and Subjective Indicators of Urban Quality of Life. **Journal Articles Refereed , Applied Research in Quality of Life**, Springer Verlag, Vol.1: 77-96 .
- Okulicz, A. (2012). City Life: Rankings (Livability) vs. Perceptions (Satisfaction). **Social Indicator Research**, 110(2): 433 .
- Pamier, C. Y. (2007). **Creating a Vibrant City Centre**. Washington, DC: Urban Land Institute.
- Punter, J. & Carmona, M. (1997). **The Design Dimension of Planning: Theory, Content and Best Practice for Design Policies**. London: E & FN Spon.
- Quinn, B. (2005). Arts Festivals and the City. **Urban Studies**, 42(5-6): 927-943.
- Sacco, P., Luigi and Blessi, G., Tavano. (2007). Urban Regeneration, Culture and Happiness. **Bridging Communities through Cultural Policies: A Theoretical Framework**, Policy for Happiness. Siena, pages: 2449-2464.
- Timmer, V. & Seymoar Nola, K. (2006). **The Livable City**. (Vancouver Working Group Discussion Paper). Vancouver, British Columbia: University of British Columbia.



Received: 2014/01/30

Accepted: 2015/01/17



The Evaluation of Physical Features and their Impact on the Liveliness and Viability of City's Old Neighborhoods (Case study: Sonbolestan neighborhood in Isfahan)

Ahmad Shahivandi* Mahmoud Ghalelouii Maryam Alipour Isfahani*****

Abstract

Quality of life is one of the influential factors in the sense of attachment to the environment. Low-quality environments are susceptible to lose their liveliness and viability and, consequently, their users and residents. New urbanism seeks equilibrium between social, environmental and local aspects of life and, from this perspective, one of the important factors which plays a role as a unit of urban life is neighborhood. In recent years, due to the dominance of market-driven approaches in cities, old urban areas have become the object of speculation. Inefficient physical interventions have reduced the liveliness and viability of old urban fabrics. This leads to the generation of low-quality environments in which lack of safety, loss of health and cohesion are the main characteristics. The aim of this research is to investigate the physical features of Sonbolestan neighborhood in Isfahan as well as gain knowledge about the condition of economic, social, cultural and environmental liveliness and viability in this neighborhood and, finally, evaluate how much these physical features influence the liveliness and viability of Sonbolestan. In this research, descriptive-analytical and quantitative methods have been used. Statistic community includes residents of Sonbolestan neighborhood and "structural equations" model is used for the analysis of the connected factors. Research findings demonstrate that economic liveliness is the most important physical factor in Sonbolestan whereas there was no significant relationship between physical indicators and social and environmental viability. Economic liveliness was the most important factor influencing residents' attachment in Sonbolestan neighborhood.

Keywords: physical feature, liveliness, viability, sense of belonging, old urban neighborhood, Sonbolestan

* Assistant Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan

** Assistant Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan

*** MA, Art University of Isfahan